

بررسی مختصات سیاست‌های زبان خارجی کشور بر اساس چارچوب
هورنبرگر^۱

نادر حقانی^۲، الناز قدوسی شاه‌نشین^۳

چکیده

بررسی اسناد و مستندات مرتبط با سیاست‌گذاری‌های زبانی در نظام آموزش عمومی و عالی کشور می‌تواند بستری مناسب برای درک عوامل و دلایل گرایش نظام آموزشی به زبان یا زبان‌های خارجی را فراهم آورد و اهداف این سیاست‌ها را برای برنامه‌ریزی‌های کلان در حوزه آموزش زبان خارجی نمایان سازد. مقاله پیش‌رو اسناد بالادستی آموزش رسمی زبان خارجی در سطوح آموزش عمومی و عالی را با استفاده از چارچوب هورنبرگر، به روش اسنادی مورد واکاوی و تحلیل قرار داده و مختصات سیاست‌گذاریها و برنامه‌ریزی زبان خارج در نظام آموزشی را تشریح کرده است. نتایج این سندکاوی حاکی از عدم وجود پایه نظری در سیاست‌گذاری‌های زبان و فقدان برنامه اجرایی مشخص برای اهداف تعیین شده در مستندات مربوط به زبان خارجی کشور می‌باشد.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری‌های زبان خارجی، برنامه‌ریزی زبان خارجی، اسناد بالادستی زبان محور، آموزش زبان خارجی، چارچوب هورنبرگر

دوره شانزدهم شماره ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۹۸

۱. مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری "سیاست‌گذاری‌های زبان خارجی ایران در مقایسه با سیاست‌گذاری‌های چندزبانی کشورهای خارجی آلمان، فرانسه و انگلیس" و طرح پژوهشی "زبان‌های فراملی و منافع ملی" در حوزه سیاست‌گذاری آموزش زبان خارجی است که با حمایت مالی پژوهشکده زبان ملل دانشگاه تهران انجام شده است.

۲. عضو هیئت علمی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول)

nhaghani@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری آموزش زبان آلمانی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران

shahneshin@ut.ac.ir

مقدمه

دعوت از معلمین اتریشی برای تدریس در دارالفنون را می‌توان از دو زاویه سیاسی-تاریخی و سیاسی-زبانی مورد بررسی قرار داد (Haghani, 2009: 166-168). رابطه سیاسی ایران و اتریش در آن زمان در مقاله پیش رو مورد بررسی قرار نمی‌گیرد، اما تبعات آن، یعنی انتخاب زبان فرانسه به عنوان زبان آموزش، که عمدتاً حاکی از ضرورت ارتباط زبانی میان معلمان خارجی و متعلمان ایرانی بوده است، و چگونگی ورود سایر زبان‌های خارجی به نظام آموزشی کشور می‌تواند از منظر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی زبان خارجی واکاوی گردد. به منظور درک بهتر رویکردها و سیاست‌های زبانی کشور ضروری است مستندات و اقدامات را که متولیان آموزش کشور در این خصوص انجام داده‌اند به روش سندکاوی تحلیل کنیم تا استخراج شیوه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و همچنین دلایل گرایش به سمت زبان و یا زبان‌های خارجی ممکن شود. آموزش در مدارس و دانشگاه‌های ایران از دیر باز به زبان فارسی صورت گرفته است. استفاده از زبان فارسی در آموزش عمومی و عالی ایران و همچنین پیامدهای آن را اصغرزاده و دیگران (۱۳۹۵، ص ۱۵۹ - ۱۷۹) در مجله "نقد زبان و ادبیات خارجی" مورد مذاقه قرار داده‌اند. از یافته‌های مقاله مزبور این گونه بر می‌آید که تکیه بر آموزش زبان فارسی به حفظ این زبان و هویت ملی کمک نموده است ولی این رویکرد پیامدهای دیگری از جمله ارتباطات علمی با جهان غیر فارسی، توسعه علمی کمتر، و از دست دادن احتمالی فرصت‌های جدید، و تأثیر در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی را نیز به دنبال دارد (همان، ص ۱۷۷). راهکار پیشنهادی در مقاله مزبور جهت بین‌المللی شدن آموزش عالی ایران استفاده از زبان واسط در آموزش است (همان، ص ۱۶۳). پیاده‌سازی این مطلب در گرو سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی زبانی هدفمند می‌باشد. طاهره احمدی‌پور (۱۳۹۰، ص ۱ - ۱۶) نیز در مجله "زبان‌شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی" به طور کلی به چارچوب سیاست زبانی ملی ایران پرداخته و برخی اسناد رسمی را مورد اشاره قرار داده که در نهایت نیز پیشنهادهای جهت تدوین چارچوب سیاست زبان ملی ارائه داده است.

کشور ایران از دیربگام دارای سیاست‌های زبان خارجی مکتوب و مدون نبوده است (حقانی و سهرابی، ۱۳۹۷، ص ۵۹)، اما از طریق پرداختن به اسناد بالادستی مربوط در سطوح تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرایی، که هر یک نقشی جهت دهنده

در حوزه سیاست‌گذاری زبان خارجی دارد، قادر خواهیم بود، از یک سو عوامل ترویج و یا محدودیت، و نیز دلایل گرایش به سمت زبان خارجی خاصی را با بررسی سیاست‌های زبانی استخراج کنیم، و از سوی دیگر، زمینه لازم برای هدف گذاری دقیق‌تر سیاست‌گذاری‌های زبانی را فراهم سازیم. بررسی اشارات زبانی مندرج در مستندات تاریخی، اسناد رسمی، گزارش‌های نهادهای رسمی و مصوبات شوراهای مربوط پیکره‌های مناسب برای تحلیل نظری مهیا می‌سازد، و درج این پیکره در مدل‌های مربوط و جایابی اقدامات و برنامه‌های زبانی در چارچوب‌های طراحی شده، امکان تدوین نقشه راه زبان خارجی کشور را تسهیل می‌نماید.

پیشینه تحقیق

در راستای سیاست زبانی نخستین آثار در سیاست‌گذاری زبانی در سال ۱۹۴۵م پدید آمده و همراه با زبان‌شناسی اجتماعی رشد کرده است (Shohamy & Spolsky, 2002:2). زبان‌شناسی اجتماعی رشته‌ای تخصصی است که در دهه ۱۹۶۰ میلادی شکوفا شد و خیلی زود سیاست‌گذاری زبانی را نیز در قلمرو خود گنجانده و توسعه داد. سیاست‌گذاری زبانی و برنامه‌ریزی زبان به‌عنوان زیررشته زبان‌شناسی کاربردی نیز محسوب می‌شوند. سیاست‌گذاری زبانی با برنامه‌ریزی زبان خارجی عمدتاً مترادف به‌کار می‌رود و با موضوعات زبان‌شناسی کاربردی مرتبط هستند (Grabe & Kaplan, 1992: 3). زبان‌شناسی کاربردی مبنایی بین رشته‌ای و هم جهت با انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم ارتباطات و روان‌شناسی دارد و با رویکردی عملی تلاش دارد راه حل‌هایی تحقیق محور برای رفع مشکلات ناشی از عدم اتخاذ سیاست‌های زبان و فقدان برنامه‌های اجرایی مربوط شناسایی و پیشنهاد نماید (Davies & Elder, 2004: 3-6).

رویکردها و چارچوب‌های مطرح در تحقیقات سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی زبانی به دهه ۱۹۹۰م باز می‌گردد. کوپر^۱ و تولفسون^۲ از پیشگامان این حوزه محسوب می‌شوند. کوپر بر مبنای این پرسش که "چه افرادی در تلاش برای تاثیرگذاری بر چه نوع رفتارهایی در چه اشخاصی برای رسیدن به چه نتیجه‌ای تحت چه شرایطی با چه اهدافی توسط چه فرآیند تصمیم سازی و با چه تأثیری هستند"، چارچوب تشریحی^۳

1. Cooper

2. Tollefson

3. Accounting framework

خود را در سال ۱۹۸۹م ارائه می‌دهد.^۱ چارچوب کوپر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی زبانی را تلاشی توصیفی قلمداد می‌کند، و تغییر اجتماعی را شرط لازم برای اجرای آن‌ها می‌داند.

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی زبانی در دهه نود قرن بیستم میلادی به سوی نزدیک شدن مفاهیم و موضوعات پیش می‌رود. در همین راستا، گریب (۱۹۹۴) در سالنامه زبان شناسی کاربردی^۲ به دامنه موضوعی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی زبانی می‌پردازد، هورنبرگر^۳ و ریستو^۴ (۱۹۹۶) در فصلنامه تسول^۵ سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی زبانی و آموزش زبان انگلیسی را واکاوی می‌کنند، هوبنر^۶ و دیویس^۷ (۱۹۹۹) سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی زبانی در ایالات متحده را مد نظر قرار می‌دهند و آگر^۸ (۲۰۰۱) به انگیزه‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی زبانی می‌پردازد.

دو دهه قبل از کنکاش‌های نظری و تحقیقاتی سیاست‌گذاری زبانی در دهه نود میلادی، هاگن^۹ در سال ۱۹۶۶ مفاهیم جدید و متفاوت در ادبیات موضوعی و تأملات برنامه‌ریزی برای توانمندسازی زبان را شاخصی برای توسعه سیاست‌گذاری‌های زبانی در نظر می‌گیرد و در ادامه آن، در دهه هشتاد میلادی چارچوب چهار مرحله‌ای^{۱۰} را معرفی می‌کند که در آن می‌توان ساختار اجرایی یک برنامه‌ریزی زبانی را به راحتی مشاهده نمود (Haugen, 1983: 276). چارچوب حاضر شامل گزینش، تدوین، پیاده‌سازی و توسعه^{۱۱} است که هورنبرگر آن‌ها را در چارچوب یکپارچه ساز^{۱۲} خود می‌گنجاند.^{۱۳} بدین ترتیب سه چارچوب کوپر (چارچوب تشریحی)، هاگن (چارچوب چهار مرحله‌ای)

1. "What actors attempt to influence what behaviors of which people for what ends under what conditions by what means through what decision-making process with what effect?" (Cooper, 1989: 98)

2. Annual Review of Applied Linguistics

3. Hornberger

4. Ricento

5. Hornberger

6. Huebner

7. Davis

8. Ager

9. Haugen

10. Fourfold Matrix Model

11. Selection, Codification, Implementation, Elaboration

12. Integrative Framework

۱۳. چارچوب یکپارچه ساز (integrative framework) با چارچوب یکپارچه (integrated framework) تمایز دارد. چارچوب اولی شامل یک اقدام است که همه راهکارهای متعارف و تکمیلی برای حل یک مسئله را پیشنهاد می‌کند، اما چارچوب دومی، ترکیب همه اقدامات و راه‌حل‌های متفاوت برای رفع یک مشکل را مورد تأکید قرار می‌دهد.

و هورنبرگر (چارچوب یکپارچه ساز) همراه با در نظر گرفتن اجزا و مؤلفه‌های فضای زیستی یک زبان خارجی در جامعه هدف، در کنار گردآوری مستمر داده‌های مورد نیاز، بستری مناسب برای تصمیم‌سازی و سیاستگذاری هدمند در حوزه زبان خارجی فراهم می‌کند.

روش نظری

اصطلاح سیاست‌گذاری زبانی^۱ مفهومی نسبتاً جدید در زبان‌شناسی است. این عبارت فنی مجموعه ساز و کارها، نگرش‌های آشکار و پنهان، و رویکردهای رسمی و غیر رسمی در خصوص یک زبان را در بر می‌گیرد (Shiffman, 1996:163). شیفمن سیاست‌گذاری زبانی و برنامه‌ریزی زبانی^۲ را دو مقوله متفاوت ولی مربوط به هم می‌داند (همان جا). بالدوف^۳ (۱۹۹۴) نیز بین سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی زبانی تمایز قائل می‌شود، و شق آخری را شکل اجرایی از سیاست‌گذاری زبانی می‌داند. کوپر برنامه‌ریزی زبانی را هرگونه تلاش عمدی برای تأثیرگذاری بر رفتار زبانی افراد و گروه‌های یک جامعه تلقی می‌کند و این تأثیرگذاری را در ابعاد ساختار، وضعیت و زبان آموزی امکان‌پذیر می‌داند (Cooper, 1989: 45)^۴.

کاپلان و بالدوف (۱۹۹۷)، آرنولد و گراو^۵ (۲۰۰۳)، اسپولسکی (۲۰۰۴) و هاسلینگر و یانیش^۶ (۲۰۰۵) با استفاده از چارچوب‌های پیش گفته، و به‌ویژه چارچوب چهارمرحله‌ای هاگن، ابعاد فرآیند سیاست‌گذاری تا برنامه‌ریزی زبانی را بیشتر توضیح می‌دهند.^۷ آن‌ها عمدتاً مرحله "گزینش" را به اتخاذ تصمیم درباره اهداف ویژه زبانی با در نظر گرفتن عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ربط می‌دهند، مرحله "تدوین" را در زمره استانداردسازی اهداف زبانی، که از مجموعه‌ای از هنجارهای زبانی، احساسات، نگرش‌ها، ارزش‌ها و علایق سیاست‌گذاران قلمداد می‌کنند، مرحله "پیاده‌سازی" را به

1. Language policy

2. Language planning

3. Baldauf

۴. تأثیرگذاری در بخش ساختاری، در واژگان و دستورزبان رخ می‌دهد، در بعد وضعیت به نقش‌های کاربردی و جایگاه زبان سرایت می‌کند و در قسمت زبان آموزی شیوه‌های آموزش زبان و یادگیری را در بر می‌گیرد.

5. Arnold & Grau

6. Language planning

۷. از دیگر تلاش‌هایی که در دهه‌های هفتاد تا نود میلادی در حوزه بسترسازی نظری و مدل‌سازی اجرایی مرتبط با سیاست‌گذاری زبانی صورت گرفته اند می‌توان به کلوس (Kloss) فرگوسن (Ferguson)، نهیر (Nahir)، نیوستاپنی (Neustupny) رابین (Robin) و استیوارت (Stewart) اشاره کرد.

عملکرد سیاست‌ها اختصاص می‌دهند، و در مرحله "توسعه"، کاهش یا افزایش کارکردی زبان در جامعه را مد نظر قرار می‌دهند.

همزمان با شکل‌گیری گفتمان پست مدرن دهه نود میلادی در علوم اجتماعی، زبان‌شناسی کاربردی خود را با انتظارات جامعه در خصوص قابلیت پیش‌بینی و تشریح نظری چشم اندازها و الزامات سیاست‌گذاری زبانی روبرو می‌بیند و در پاسخ، سه نوع و رویکرد "وضعیت"، "زبان آموزی" و "پیکره" در برنامه‌ریزی زبانی را مطرح می‌کند (Ricento, 2006: 24). در راستای بسترسازی نظری و اجرایی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی زبانی،^۴ چارچوب یکپارچه ساز هورنبرگر، که در سال ۱۹۹۴م تدوین و با اندکی تغییر در سال ۲۰۰۶م باز طراحی شده بود، مورد توجه برنامه‌ریزان زبانی قرار می‌گیرد.

Types	Policy planning approach (on form)	Cultivation planning approach (on function)
Status planning (about uses of language)	Officialization Nationalization Standardization of status Proscription	Revival Maintenance Spread Interlingual communication – international, intranational
Acquisition planning (about users of language)	Group Education/School Literary Religious Mass media Work	Reacquisition Maintenance Shift Foreign language/second language/literacy
	Selection Language's formal role in society Extra-linguistic aims	Implementation Language's functional role in society Extra-linguistic aims
Corpus planning (about language)	Standardization of corpus Standardization of auxiliary code Graphization	Modernization (new functions) Lexical Stylistic Renovation (new forms, old functions) Purification Reform Stylistic simplification Terminology unification
	Codification Language's form Linguistic aims	Elaboration Language's functions Semi-linguistic aims

شکل (یک): چارچوب یکپارچه ساز هورنبرگر (۱۹۹۴ و ۲۰۰۶)

1. Status planning
2. Acquisition planning
3. Corpus planning
4. LPP (Language policy and planning)

زیربنای چارچوب هورنبرگر همان چارچوب چهار مرحله‌ای سال ۱۹۸۳ هاگن است، که هورنبرگر آن را با سایه طوسی رنگ در چارچوب خود مشخص می‌سازد و مراحل اول و سوم هاگن، یعنی "گزینش و پیاده سازی" را اهداف فرانزبانی می‌خواند، و مرحله دوم هاگن، یعنی "تدوین" را در زمره اهداف زبانی، و مرحله چهارم را در بین اهداف نیمه زبانی جای می‌دهد. چارچوب فوق همچنین سه اقدام برنامه‌ریزی زبانی، از قبیل "وضعیت"، "زبان آموزی" و "پیکره" را در سه سطح، و دورویکرد برنامه‌ریزی مبتنی بر سیاستگذاری شکلی و ترویج کاربردی را به تصویر می‌کشد.

تنظیم هنجارها برای زبان‌های ملی با برنامه‌ریزی پیکره و به منظور تخصیص توابع زبان و ادبیات یک جامعه گفتاری نیازمند برنامه‌ریزی زبانی از منظر وضعیت (Status planning) است. برنامه‌ریزی زبانی با ابعاد پیکره (Corpus planning) و وضعیت را، اولین بار کلس (۱۹۶۸) مطرح کرد. وی "وضعیت" را به شاکله یا ساختار زبان یا ادبیات مربوط می‌داند و به مداخلات پیشگیرانه در اشکال یک زبان اشاره دارد. به این ترتیب، برنامه‌ریزی زبانی باید هم راستا با نحوه استفاده از پیکره و ادبیات زبان در جامعه باشد. از نظر وی برنامه‌ریزی وضعیت مربوط به حوزه عملکردی یک زبان در جامعه است، و می‌تواند بر استفاده زبان در یک جامعه تاثیر بگذارد. در میان لایه وضعیت و پیکره، سطح برنامه‌ریزی زبان آموزی (Acquisition planning) قرار می‌گیرد، که نوعی برنامه‌ریزی برای ایجاد یا بهبود زبان تخصصی را در بر دارد.

فرگاسن^۱ در سال ۱۹۶۸ جهت استانداردسازی پیکره^۲، نویسه^۳ و نوسازی^۴ مدلی ارائه می‌دهد، که سیاست‌گذاری شکلی و ترویج کاربردی را نمایان می‌سازد. استانداردسازی پیکره، اشاعه و ترویج زبان آموزی را منعکس می‌کند، استانداردسازی نویسه، به ارائه یک نظام نوشتاری واحد برای زبانی، که قبلاً نگاهشده شده است، اشاره دارد، و هر دوی این موارد به جنبه‌های رسمی زبان و یا ادبیات توجه دارند. در حالی که استانداردسازی نوسازی، گسترش کاربرد واژگان قدیمی و سبک مهجور یک زبان را در حوزه‌های کم کاربرد مد نظر قرار می‌دهد (Hornberger, 2006: 30).

سایر مؤلفه‌ها و ابعاد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی زبانی می‌تواند حسب اهداف تعیین شده و سطوح کاربردی مورد توجه قرار گیرد و الزامات و نیازمندی‌های مربوط

1. Ferguson

2. LPP (Language policy and planning)

3. Graphization

4. Modernization

به هر یک تعریف و تعیین گردد.

انطباق سیاست‌های زبانی کشور با چارچوب هورنبرگر

به منظور نشان دادن پایه نظری و میزان هم راستایی ابعاد سیاست‌ها و برنامه‌های زبان خارجی کشور، ضمنی و آشکار، و یافتن ارتباط ساختاری و عملکردی سیاست‌های زبان خارجی در اسناد بالادستی، مستندات مربوط از جمله قانون اساسی، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، سند تحوّل بنیادین آموزش و پرورش، نقشه جامع علمی کشور، و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس چارچوب هورنبرگر مورد واکاوی قرار گرفتند و ویژگی هر یک از منظر برنامه‌ریزی وضعیت بررسی شده و در جداول جداگانه درج گردیده اند.

اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمی بودن زبان و خط فارسی به عنوان زبان مشترک مردم ایران در کلیه اسناد، مکاتبات، متون رسمی و کتب درسی اشاره دارد. و اصل شانزدهم درباره الزام آموزش زبان عربی به عنوان زبان دینی و همچنین آمیخته بودن زبان عربی با بخش عمده‌ای از زبان فارسی است. در این راستا، برنامه‌های درسی و مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش می‌بایست با در نظر گرفتن این دو اصل پایه‌گذاری شوند. شایان ذکر است که در سند مزبور، قانونی مبنی بر الزام آموزش و یا استفاده از زبان‌های خارجی وجود ندارد.

با نگاهی به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سه حوزه سیاست‌گذاری، تدوین ضوابط و نظارت طرح‌های راهبردی کشور در زمینه‌های مختلف فرهنگی، علمی و پژوهشی می‌توان دریافت که وظیفه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی زبان فارسی و خارجی در نظام آموزشی و نظارت و ارزیابی دیگر مصوبات به‌منظور تصمیم‌گیری‌های مناسب پیرامون سیاست‌گذاری‌های آموزشی برعهده این نهاد است (sccr.ir: ۱۳۹۷). این شورا وظیفه برنامه سیاست‌گذاری‌های زبان خارجی و رویکرد آموزش زبان در برنامه‌ریزی‌های درسی را به شورای عالی آموزش و پرورش واگذار نموده است. بنابراین با در نظر گرفتن مؤلفه برنامه‌ریزی وضعیت مربوط به چارچوب یکپارچه ساز (ر.ک شکل یک) می‌توان عنوان نمود که مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی رویکرد سیاست برنامه‌ریزی ساختاری را دنبال می‌کند، اما رویکردی عملکردی ندارد.

جدول (۱) درج مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در مؤلفه برنامه‌ریزی وضعیت	
برنامه‌ریزی وضعیت	
رویکرد عملکردی	رویکرد ساختاری
احیا؛ نگهداری؛ گسترش؛ ارتباط بین زبانی - بین المللی	رسمی شدن؛ ملی شدن؛ استانداردسازی وضعیت؛ ممانعت
-	۱. برنامه سیاست‌های زبان فارسی و خارجی در نظام آموزشی؛ ۲. برنامه سیاست‌های زبان خارجی و رویکرد آموزش زبان در برنامه ریزی‌های درسی

شورای عالی آموزش و پرورش وظایفی چون برنامه‌ریزی، حمایت و پشتیبانی، ارزیابی و نظارت، بررسی و تدوین سیاست‌گذاری‌ها و اولویت‌های راهبردی در حوزه‌های تحقیقات و فناوری را بر عهده دارد (۱۳۹۷: msrt.ir). مصوبات حوزه یاد شده با تقسیم‌بندی‌های کلی و عمومی، ویژه مدارس و راهنمای برنامه‌های درسی در دسترس قرار دارند که در هر یک به‌طور مجزا به زبان (فارسی، عربی و خارجی) پرداخته شده و هدف آنها جهت اجرا در نظام آموزشی بیان گردیده است. در هر مصوبه کلی و عمومی، ویژه مدارس و راهنمای برنامه‌های درسی، از ترویج زبان و خط فارسی به‌عنوان زبان و خط رسمی مشترک مردم ایران و از آموزش زبان عربی به منظور آشنایی با قرآن و معارف اسلامی در هر سه مقطع تحصیلی نام برده شده است (شرکایی اردکانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴). زبان خارجی با هدف ایجاد توانایی مکالمه ساده و روزمره در درجه سوم این مصوبات قرار دارد (همان، ص ۲۱).

آموزش یکی از زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و یا سایر زبان‌هایی که شورای عالی آموزش و پرورش تصویب می‌کند و مدارس ارائه می‌دهند، از ابتدای دوره متوسطه اول آغاز می‌شود و هدف از آموزش در این دوره صرفاً آشناسازی دانش‌آموزان با زبان خارجی به‌طور کلی است. در دوره دوم متوسطه، خواندن، فهمیدن و نوشتن متون ساده در حد متوسط در نظر گرفته شده است. در پایان دوره سوم متوسطه دانش‌آموزان باید متون ساده تخصصی را درک کرده و توانایی نوشتن مقاله را کسب کنند و در حدّ توانایی به ارتباط با دیگران به زبان خارجی اشراف داشته

باشد. گسترش دامنه واژگان رشته‌های تخصصی باید در این دوره به درک بهتر متون و برقراری ارتباط علمی کمک کند. فهم و درک بهتر زبان عربی جهت درک برخی از سوره‌های قرآن و احادیث می‌تواند برای فهم بهتر متون ادب فارسی نیز استفاده گردد (همان، ص ۲۵).

هدف برنامه درسی آموزش زبان، آشناسازی دانش‌آموزان با ساختار زبانی، واژگان و ساختهای مورد نیاز برای برقراری ارتباط مؤثر و سازنده در سطح جهانی متناسب با فرهنگ اسلامی-ایرانی است. در این راستا، استعدادهای کودکان و نوجوانان، شایستگی‌ها و مهارت‌های لازم در آنان شناسایی می‌گردند و در پی آن تولید سرمایه اجتماعی با یک برنامه درسی با توجه به محورهای فرآیند افزایش می‌یابد. محصول و بستر فرهنگی در تدوین برنامه درسی رشته‌های گوناگون تأثیرگذار خواهد بود و نتیجه مطلوبی خواهد داشت (حقانی، ۱۳۸۳: ۷۱). در مناطق دو زبانه غیرفارسی، کودکان پیش‌دبستانی باید پیش از ورود به مدرسه فارسی بیاموزند تا روند آموزشی با مشکلات زبانی مختل نشود (شرکایی اردکانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۹).

مصوبه ویژه مدارس در زمینه زبان‌های خارجی مورد تدریس در دوره متوسطه جداول مواد درسی، آیین‌نامه‌ها و برنامه‌های مربوط برای زبان‌های انگلیسی، فرانسه و آلمانی را ارائه داده است. وزارت آموزش و پرورش برای هر سه زبان خارجی مزبور، کتاب آموزشی طراحی نموده و می‌بایست از آنها در تدریس استفاده گردد (شرکایی اردکانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۴۰). با تکیه بر مؤلفه برنامه‌ریزی وضعیت، که درباره استفاده از زبان در جامعه است، بُعد عملکردی زبان خارجی در جامعه ایرانی نامعلوم است و در هیچ یک از مصوبات فوق، رویکرد عملکردی وجود ندارد و یا مورد اشاره قرار نگرفته است. درج رویکردهای ساختاری و یا (احتمالاً) عملکردی شورای عالی آموزش و پرورش در چارچوب یکپارچه‌ساز هورنبرگر می‌تواند اثباتی بر این امر باشد، زیرا خط مشی‌ها و هدف‌های ساختار زبانی رویکرد سیاست برنامه‌ریزی در مصوبات، موجود بوده، ولی از نحوه پیاده‌سازی و نقش کارکردی زبان در جامعه در سند مزبور سخنی به میان نیامده است.

جدول (۲) درج مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش در مؤلفه برنامه‌ریزی وضعیت	
برنامه‌ریزی وضعیت	
رویکرد ساختاری	رویکرد عملکردی
رسمی‌شدن؛ ملی شدن؛ استانداردسازی وضعیت؛ ممانعت	احیا؛ نگهداری؛ گسترش؛ ارتباط بین زبانی - بین المللی
<p>۱. بررسی برنامه‌ها و مطالب کتاب‌های درسی؛ ۲. آموزش زبان خارجی با هدف ایجاد توانایی مکالمه ساده و روزمره؛ ۳. آغاز آموزش زبان‌های خارجی از ابتدای دوره متوسطه اول با هدف آشناسازی دانش‌آموزان با زبان خارجی به‌طور کلی؛ ۴. خواندن، فهمیدن و نوشتن متون ساده در حد متوسط؛ ۵. آموزش به یکی از زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و یا سایر زبان‌هایی، که "شورای عالی آموزش و پرورش" تصویب کند و مدارس ارائه دهند.</p>	-

درج مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش در برنامه‌ریزی ساختار نیز بیانگر آن است که این سند هیچ‌گونه رویکرد کاربردی جهت پیاده‌سازی زبان در جامعه ارائه نمی‌دهد و تنها رویکرد ساختاری را دنبال می‌کند.

جدول (۳) درج مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش در مؤلفه برنامه‌ریزی ساختار	
برنامه‌ریزی ساختار	
رویکرد ساختاری	رویکرد عملکردی
استانداردسازی پیکره؛ استانداردسازی علائم کمکی	نوسازی (کاربرد جدید) لغوی؛ سبکی؛ نوسازی؛ پاکسازی؛ اصلاحات؛ ساده‌سازی سبک؛
ترویج زبان و خط فارسی به عنوان زبان و خط رسمی مشترک مردم ایران و آموزش زبان	-

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، که در سال ۱۳۹۰ منتشر شده است، یکی از

مهم ترین اسنادی است که می‌تواند به عنوان راهنمای آموزش زبان خارجی در نظام آموزش رسمی کشور مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس برنامه ششم توسعه کشور، این سند به تدریج در آموزش و پرورش اجرایی می‌شود. در تنظیم سند مزبور اسناد بالادستی کشور مدنظر قرار گرفته‌اند و در متن سند، زوایا، جهت‌گیری، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت در بُعد کلان تبیین شده‌اند. در این سند تعامل با سایر فرهنگ‌ها، براساس دیدگاه و معیار اسلامی، صراحتاً و ضمناً به زبان آمده است (حقانی/سهرابی، ۱۳۹۶: ۵).

در سند فوق الذکر اهمیت جایگاه زبان فارسی در نظام آموزشی قید شده است، و یک جمله نیز به آموزش زبان خارجی اختصاص یافته است: "ارائه آموزش زبان خارجی در چارچوب بخش انتخابی (نیمه تجویزی) برنامه درسی، با رعایت اصل تثبیت و تقویت هویت اسلامی-ایرانی است" (همان، ص ۱۹). در جدول ذیل رویکرد ساختاری سند مزبور قابل مشاهده است.

جدول (۴) درج سند تحوّل بنیادین آموزش و پرورش در مؤلفه برنامه‌ریزی وضعیت	
برنامه‌ریزی وضعیت	
رویکرد عملکردی	رویکرد ساختاری
احیا؛ نگهداری؛ گسترش؛ ارتباط بین زبانی - بین المللی	رسمی شدن؛ ملی شدن؛ استانداردسازی وضعیت؛ ممانعت
-	ارائه آموزش زبان خارجی در چارچوب بخش انتخابی (نیمه تجویزی) برنامه درسی، با رعایت اصل تثبیت و تقویت هویت اسلامی-ایرانی است

همان گونه که از جدول فوق بر می‌آید سند تحوّل بنیادین آموزش و پرورش رویکرد عملکردی ندارد.

در سال ۱۳۸۹، با تکیه بر سند تحوّل بنیادین آموزش و پرورش، نقشه جامع علمی کشور تنظیم شده است. این سند مجموعه‌های جامع از مبانی، اهداف، سیاست‌گذاری‌ها و راهبردها، ساختار و الزامات تحوّل راهبردی علم و فناوری مبتنی بر ارزشهای اسلامی جهت دستیابی به اهداف چشم انداز ۱۴۰۴ کشور است. هدف از اجرای این نقشه بسترسازی و زمینه‌سازی برای تحقق کامل اهداف نظام جمهوری

اسلامی‌ایران و برآورد انتظارات رهبری از جامعه علمی‌کشور است (نقشه جامع علمی‌کشور، ۱۳۸۹: ۶). در بخش اهداف کلان این نقشه، زبان فارسی و تقویت جریان معادل‌سازی برای واژه‌های علمی‌بیگانه در تمامی رشته‌ها اولویت داشته و بر نگارش مقالات علمی‌تخصصی به زبان‌های بین‌المللی علمی تأکید شده است (همان، ص ۱۹). همچنین اصلاح و ایجاد تحوّل در روش‌های آموزش زبان به‌ویژه زبان عربی و انگلیسی در مقاطع آموزش عمومی در راستای اقدامات ملی قرار گرفته است (همان، ص ۵۱).

ساماندهی مؤسسات آموزش زبان‌های خارجی و متنوع‌سازی آموزش آنها از طریق شفاف‌سازی نیازهای کشور برای تعاملات بین‌المللی علم و فناوری، در ادامه اقدامات ملی است که بومی‌سازی و تدوین برنامه‌های درسی و محتوای آموزشی در زمینه آموزش زبان‌های خارجی با توجه به فرهنگ اسلامی را نیز در پی دارد. اما همچنان تأکید اصلی بر ضرورت استفاده از زبان فارسی در حوزه‌های تخصصی علوم با معادل‌سازی مفهومی برای اصطلاحات تخصصی، ترویج آنها در مجامع علمی و تلاش برای تبدیل زبان فارسی به زبان علم می‌باشد (همان، ص ۵۷). درج نقشه جامع علمی‌کشور در مؤلفه برنامه‌ریزی وضعیت نشانگر عدم عملکردی بودن رویکرد برنامه‌ریزی نقشه مزبور درباره استفاده از زبان است:

جدول (۵) درج نقشه جامع علمی‌کشور در مؤلفه برنامه‌ریزی وضعیت	
برنامه‌ریزی وضعیت	
رویکرد ساختاری	رویکرد عملکردی
رسمی‌شدن؛ ملی‌شدن؛ استانداردسازی وضعیت؛ ممانعت	احیا؛ نگهداری؛ گسترش؛ ارتباط بین‌زبانی - بین‌المللی
۱. اصلاح و ایجاد تحوّل در روش‌های آموزش زبان به‌ویژه زبان عربی و انگلیسی در مقاطع آموزش عمومی در راستای اقدامات ملی؛ ۲. ضرورت استفاده از زبان فارسی در حوزه‌های تخصصی علوم با معادل‌سازی مفهومی برای اصطلاحات تخصصی	-

همان‌گونه که از جدول فوق بر می‌آید نقشه جامع علمی‌کشور رویکردی عملکردی

ندارد و نقش کارکردی زبان خارجی در جامعه را روشن نساخته است. این نقشه برنامه‌ریزی ساختاری زبان را نیز پوشش نمی‌دهد، زیرا هیچ‌گونه رویکردی جهت استانداردسازی ساختار زبان و یا نوسازی و کاربرد جدید زبان در آن دیده نمی‌شود. برنامه درسی ملی به عنوان یکی از زیر نظام‌های اصلی سند تحوّل بنیادین و به منزله نقشه جامع یادگیری است. اولین نسخه این برنامه در سال ۱۳۸۷ منتشر گردیده است و به منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی ایران، نقشه کلان برنامه درسی و چارچوب نظام برنامه‌ریزی درسی کشور را تعیین و تبیین می‌کند (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱: ۸). در این برنامه تقویت مهارت‌های زبان و ادبیات فارسی و سپس زبان عربی به‌عنوان زبان دینی مورد تأکید قرار گرفته است. از کسب مهارت‌های یک زبان خارجی در چارچوب بخش انتخابی (نیمه تجویزی) برنامه درسی، با رعایت اصل تثبیت و تقویت هویت اسلامی - ایرانی نیز یاد شده است. اشارات مزبور در زمره شایستگی‌های عملکردی قرار دارد.

آموزش زبان عربی به منظور درک بهتر قرآن، ایمان به دین اسلام، و همچنین آموختن بهتر زبان و ادبیات فارسی به‌علت آمیخته بودن این دو زبان در متن سند قید شده اند. بر اساس این سند، علاوه بر سواد کامپیوتری دانستن زبان خارجی، یکی از دو محور اساسی سواد آموزی در هزاره سوم است، که در توسعه گردشگری، کسب و کار، فناوری، علم و آگاهی سیاسی نیز حائز اهمیت است. در این سند مطلبی در مورد برنامه‌ریزی زبان خارجی با رویکرد عملکردی ذکر نشده است.

جدول (۶) درج برنامه درسی ملی در مؤلفه برنامه‌ریزی وضعیت	
برنامه‌ریزی وضعیت	
رویکرد عملکردی	رویکرد ساختاری
احیا؛ نگهداری؛ گسترش؛ ارتباط بین زبانی - بین المللی	رسمی شدن؛ ملی شدن؛ استانداردسازی وضعیت؛ ممانعت
-	به‌کارگیری مهارت‌های یک زبان خارجی در چارچوب بخش انتخابی (نیمه تجویزی) برنامه درسی؛ رعایت اصل تثبیت و تقویت هویت اسلامی

در سند برنامه درسی ملی نیز مانند سایر اسناد به رویکرد ساختاری اکتفا شده

است و رویکرد عملکردی مورد اشاره قرار نگرفته است.

نتیجه‌گیری / جمع‌بندی

سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های زبانی را می‌توان در بستری نظری مختلف مورد بررسی قرار داد و ابعاد آن را با استفاده مدل‌های گوناگون نشان داد. در این مقاله "چارچوب یکپارچه‌ساز" هورنبرگر مبنای نظری و فنی بررسی سیاست‌های زبانی ایران قرار گرفت و ابعاد مختلف برنامه‌ریزی‌های زبانی در قالب جداول برگرفته از مدل مزبور تنظیم و مقایسه گردیدند.

وظیفه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی زبان فارسی و خارجی در نظام آموزشی و نظارت و ارزیابی دیگر مصوبات به‌منظور تصمیم‌گیری‌های مناسب پیرامون سیاست‌گذاری‌های آموزشی برعهده شورای عالی انقلاب فرهنگی است. بنابراین پس از بررسی‌های لازم با در نظر گرفتن مؤلفه برنامه‌ریزی وضعیت مربوط به چارچوب یکپارچه‌ساز، دیده شد که مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی رویکرد سیاست برنامه‌ریزی ساختاری را دنبال می‌کند، اما رویکردی عملکردی ندارد. وظیفه برنامه سیاست‌گذاری‌های زبان خارجی و رویکرد آموزش زبان در برنامه‌ریزی‌های درسی را شورای عالی انقلاب فرهنگی به شورای عالی آموزش و پرورش واگذار کرده است. پس از درج این سند در مؤلفه برنامه‌ریزی وضعیت، دیده شد که این نهاد رویکرد سیاست برنامه‌ریزی ساختاری را دنبال می‌کند، اما رویکردی عملکردی ندارد. همچنین درج مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش در برنامه‌ریزی ساختار نیز نشان داد که این سند هیچ‌گونه رویکرد کاربردی جهت پیاده‌سازی زبان در جامعه ارائه نمی‌دهد و تنها رویکرد ساختاری را دنبال می‌کند.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، یکی دیگر از مهم‌ترین اسنادی است که در این مقاله به عنوان راهنمای آموزش زبان خارجی در نظام آموزش رسمی کشور مورد بررسی قرار گرفته است. با در نظر گرفتن مؤلفه برنامه‌ریزی وضعیت مربوط به چارچوب یکپارچه‌ساز دیده شد که این سند نیز رویکردی ساختاری دارد و رویکرد عملکردی در آن مشاهده نمی‌شود. نقشه جامع علمی کشور با تکیه بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تنظیم شده است که مجموعه‌ای جامع از مبانی، اهداف، سیاست‌گذاری‌ها و راهبردها، ساختار و الزامات تحول راهبردی علم و فناوری کشور است. در همین

راستا نقشه جامع علمی کشور نیز واکاوی گردید و در مؤلفه برنامه‌ریزی وضعیت قرار گرفت تا گواهی بر شفاف‌سازی نیازهای کشور برای تعاملات بین‌المللی علم و فناوری، بومی‌سازی و تدوین برنامه‌های درسی و محتوای آموزشی در زمینه آموزش زبان‌های خارجی با توجه به فرهنگ اسلامی باشد. درج این سند در مؤلفه برنامه‌ریزی وضعیت نشانگر عدم عملکردی بودن رویکرد برنامه‌ریزی نقشه مزبور درباره استفاده از زبان است و نقش کارکردی زبان خارجی در جامعه را روشن نمی‌سازد. این نقشه برنامه‌ریزی ساختاری زبان را نیز پوشش نداده است و هیچ گونه رویکردی جهت استانداردسازی ساختار زبان و یا نوسازی و کاربرد جدید زبان در آن دیده نشد.

برنامه درسی ملی نقشه کلان برنامه درسی و چارچوب نظام برنامه‌ریزی درسی کشور را به منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی ایران تعیین و تبیین می‌کند. پس از مذاقه این سند، برنامه مزبور در مؤلفه برنامه‌ریزی وضعیت درج گردید و همچون سایر اسناد بررسی شده، هیچ گونه رویکرد عملکردی دیده نشد و تنها به رویکرد ساختاری اکتفا شده است.

واکاوی سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های زبان خارجی نظام آموزش رسمی کشور در سطوح عمومی و عالی حاکی از عدم موضوعیت یافتن زبان خارجی و ابعاد آن، به طور مجزا و مدون، در مستندات رسمی مربوط است. عمده اسناد بالادستی به بیان مطالبی حول محورهایی چون ساختار، رسمیت یافتن، استانداردسازی وضعیت زبان بسنده کرده‌اند، و به نقش کاربردی زبان در جامعه و چگونگی عملکرد آن نپرداخته‌اند. همچنین واکاوی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که دلایل گرایش نظام آموزشی کشور به سمت زبان‌های خارجی (غیر از زبان عربی) به صورتی کلی و فاقد چارچوب معینی مورد اشاره قرار گرفته‌اند. مؤلفه‌ها و ابعاد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی زبانی کشور حسب اهداف تعیین شده و سطوح کاربردی مورد توجه قرار نگرفته است و الزامات و نیازمندی‌های مربوط به هر یک به طور مشخص تعریف و تعیین نگردیده. فقدان پایه نظری در تدوین برنامه‌های زبانی و سیاست‌گذاری‌های مربوط می‌تواند این راه را برای این تحلیل بگشاید که آموزش زبان خارجی در نظام آموزشی کشور هدفمند نیست و عمدتاً مبتنی بر اهداف شهودی و نیازسنجی‌های استنباطی و آنی پایه‌گذاری شده است.

Foreign language policy and planning specifications of Iran based on Hornberger's integrative framework

Nader Haghani¹

Elnaz Ghodousi Shahneshin²

Abstract

Introduction: Foreign languages are taught and learned worldwide today, but with great differences in intensity, levels of education, motivations, goals, and teaching methods. However, the reason for the worldwide quantitative or even qualitative development of languages in any country is not the result of a random principle. Any language that is to be learned and introduced in a foreign country inevitably needs a corresponding language planning against the background of the language policy of the respective country (Krumm, 2003: 35). Especially because foreign languages are offered to both Iranian schools and universities, the question arises: What is the purpose of foreign languages in the practice of the Iranian higher education landscape? Which, in turn, raises the question of what language policy concepts exist for teaching foreign Languages in Iran.

Background Study: This paper presents a brief introduction to the approaches and frameworks in recent research in Language policy and planning. In the 1990s, a review of books and articles on Language policy and planning was carried out, many of which have demanded and suggesting new theoretical paths in this direction. Cooper (1989) and Tolefson (1991) are among the pioneers of this field. Even before, Haugen (1983, p. 276) suggested that an explanatory theory of language planning should definitely be determined by a single theory or model for judgment. Nowadays, after studying many of the available papers, one can find the balance between the theories and the proposed practical methods. The Integrative Framework Language policy and planning created in the early 1990s (Hornberger, 2006, p. 28) in the paper Frameworks and Models in LPP, is

-
1. Corresponding author: Faculty member of German Language Teaching department, University of Tehran, I.R. Iran
 2. Ph.D. Student of German Language Teaching, Faculty of Foreign Languages and Literatures, University of Tehran, I.R. Iran

a framework for defining objectives and language options as well as its various applications. Policies and language planning are very diverse, which Hornberger provided to explore and combine them in an Integrative framework. She portrays language framework policy and planning goals as an Integrative framework.

Methodology and argument: The situation of foreign languages in Iran was illustrated by Hornberger's integrative framework. In the present work, the basis of the comparison is laid down between differently used language policy in Hornberger's framework and Iran. The aim of this work is to provide an overview of language policy and language planning in Iran, to describe their use or use in the structure of language in different areas of society, and to show their intentions, and to compare these various language policy decisions with documentary research. Based on this, it will be determined in the course of the work whether and to what extent Iran's language planning is to be assigned to the Hornberger framework. In this context, the following main and research question arises: Does a coherent overall concept of language policy and planning exist in relation to foreign languages in Iran? It is hypothesized that there is a coherent overall approach to language policy and planning in relation to the foreign languages that are appointed in Iran. In order to answer these questions, the current position of foreign languages in Iran in the academic and academic field is determined.

4. Conclusion: As the study has shown, based on comparison with Hornberger's integrative framework, there are no obvious plans, targeted uses and targeted language users for imported foreign languages in Iranian society. Although Iranian foreign language policy and planning has shown no logical and convincing concept, the added value of the present work lies primarily in the fact that a study was carried out on the various state documents and parallelized in an integrative framework, as well as the gaps in Iran's language policy measures have been found.

Key words: foreign language policy, foreign language planning, official documents of Iran about languages, foreign language teaching, Hornberger's integrative framework

References:

- Ager, D. (2001). *Motivation in language planning and language policy*. Clevedon: Multilingual Matters.
- Ahmadipour, T. (2011). *Be sooye charchoobe siasate zabani Melli*. In: *Zabanshenakht (Language Studies)*, Pajuheshgahe Olum Ensani va Motaleate Farhangi (Institute for Humanities and Cultural studies). Vol. 1, 1-16.
- Arnold, R., & Grau, N. (2003). *Sprachpolitik und Recht. forost-Arbeitspapier Nr. 18: Nationale Sprachpolitik und europäische Integration, Tagungsbericht der forost-Projektgruppe III*, 17-26.
- Asgharzadeh, N.; Khorasani, A. & Farasatkah, M. (2017). *Consequences of Internationalization and Using Farsi as the Only Language of Instruction in Iran's Higher Education System: Content*. In: *Journal of Management and Planning in Educational Systems*. Vol. 9 (17), 159-179.
- Baldauf, R.B. Jr (1994). *Unplanned Language Planning*. In W. Grabe et al (eds.), *Annual Review of Applied Linguistics*, New York: Cambridge University Press, pp 82-9.
- Barnameye Darsie Mellie Jomhuri Eslamie Iran (1391)*. *Barnameye Darsie Mellie Jomhuri Eslamie Iran*. Tehran: Entesharate Shoraye Aalie Enghelab Farhangi.
- Cooper, R. L. (1989). *Language planning and social change*. New York: Cambridge University Press.
- Davies, A. & Elder, C. (2004). *The Hand book of Applied Linguistics*. Oxford/Malden, MA: Blackwell.
- Ferguson, C. A. (1968). *Language development*. In J. Fishman, C. A. Ferguson & J. Das Gupta (eds.), *Language problems of developing nations* (pp. 27-35). New York: John Wiley & Sons.
- Ghanune Assasie Jomhourie Eslamie Iran hamrah ba Eslahate Shoraye Baznegarie Ghanoune Assasie Mossavab (1368)*. Tehran: Veyarate Farhang va Ershade Eslami, Sazmane Chap va Entesharat.

- Grabe, W. (1994). Language policy and planning. *Annual Review of Applied Linguistics*, 14.
- Grabe, W. & Kaplan, R.B (eds.) (1992). *Introduction to Applied Linguistics*, Reading, Ma: Addison Wesley.
- Haghani, N. (2009). Deutsch als Fremdsprache im deutsch-iranischen Spannungsfeld von Wissenschaft, Kultur, Politik. In Roche, J. (Hg.) *Deutsch als Fremdsprache*, Münster. S. 159-173.
- Haghani, Nader (1383). Amouzeshe Tarjome: Zaban Amouzi ya Motarjemi. *Pajouheshe Zabanhaye Khareji*, Nr. 16: P. 59 – 74.
- Haghani, Nader; Sohrabi, Parvaneh (1396). Sanade Tahavvole Bonzyadine Amouzeshe va Parvaresh va Zabane Khareji. In: *Majaleye Roshde Amouzeshe Zaban*, Nr. 3, Vol. 31, P. 4 – 7.
- Haghani, Nader; Sohrabi, Parvaneh (1397). Seyre Tarikhie Zabanhaye Khareji va Zabane Almani dar nezame Amouzeshe Iran. In: *Siasathaye Amouyeshi va Farhangie Zabane Khareji dar Iran*. Tehran: Moassesseye Entesharate Amir Kabir. P. 59 – 107.
- Haugen, E. (1966a). Dialect, Language, Nation. In *Pride and Holmes (1972) American Anthropologist*, 68: 922–35.
- Haugen, E. (1983). The implementation of corpus planning: Theory and practice. In J. Cobarrubias & J. Fishman (eds.), *Progress in language planning: International perspectives* (pp. 269–290). Berlin: Mouton.
- Hornberger, N. H. (2006). *Frameworks and Models in Language Policy and Planning*. In Ricento T. (ed.). *An Introduction to Language Policy. Theory and Method*. Blackwell Publishing, USA.
- Hornberger, N. H. & Ricento, T. K. (eds.) (1996). *Language planning and policy*. (Special issue.) *TESOL Quarterly*, 30(3).
- Huebner, T. & Davis, K. (eds.) (1999). *Sociopolitical perspectives on language planning and policy in the USA*. Amsterdam: John Benjamins.
- Kaplan, R. B. & Baldauf, R. B. (1997). *Language planning from practice to theory*. Clevedon: Multilingual Matters.

- Kloss, H. (1968). Research possibilities on group bilingualism: A report. Quebec: International Center for Research on Bilingualism.
- Krumm, H. J. (2003). Sprachenpolitik und Mehrsprachigkeit. In B. Hufeisen, & G. Neuner (Hrsg.), *Mehrsprachigkeitskonzept – Tertiärsprachenlernen – Deutsch nach Englisch*. Strasbourg: Council of Europe Publishing.
- Naghsheye Jamee Elmie Keshvar (1389). *Shoraye Aalie Enghelab Farhangi*. Theran: Entesharate Shoraye Aalie Enghelab Farhangi.
- Nahir, M. (1984). Language planning goals: A classification. *Language Problems and Language Planning*, 8, 294–327.
- Neuštupny, J.V. (1974). Basic types of treatment of language problems. *Linguistic Communications*, 1, 77-98.
- Rabin, C. (1971). A tentative classification of language planning aims. In J. Rubin & B. Jernudd (eds.), *Can language be planned? Sociolinguistic theory and practice for developing nations* (pp. 277–279). Honolulu: East–West Center and University of Hawaii Press.
- Ricento, T. (2006). *An Introduction to Language Policy. Theorie and Method*. UK: Blackwell Publishing Ltd.
- Ricento, T. K. & Hornberger, N. H. (1996). Unpeeling the onion: Language planning and policy and the ELT professional. *TESOL Quarterly*, 30, 401– 28.
- Sajedi Saba, Tahmoures; Haghani, Nader; Sohrabi Osmavandi, Parvaneh; Anani Sarab, Mohammadreza; Varahram, Mohammad Hadi (1397). *Siasathaze Amouyeshi va Farhangie Zabane Khareji dar Iran*. Tehran: Moassesseye Entesharate Amir Kabir.
- Sanade Tahavvole Bonyadin Amouzesh va Parvaresh (1391). *Shoraye Aalie Enghelab Farhangi*. Tehran: Entesharate Shoraye Aalie Enghelab Farhangi.
- Schiffman, H. (1996). *Linguistic culture and language policy*. Routledge: London.
- Shorakaii Ardakani, Javad; Riahinejad, Hossein; Razzaghi, Hadi (1391). *Amouyesh va Parvaresh – ghavanin va mogharrarat – Iran – Aiinnamehha*. *Majmoue Mossavabate Shoraye Aalie Amouzesh va Parvaresh (Mossavabate Kolli va Omumi)*, Dabirkhan-

- eye Shoraye Aalie Amouzesh va Parvaresh, Moasseseye Farhangi monadie tarbiat. Shorakaii Ardakani, Javad; Riahinejad, Hossein; Razzaghi, Hadi (1391). Amouyesh va Parvaresh – ghavanin va mogharrarat – Iran – Aiinnamehha. Majmoue Mossavabate Shoraye Aalie Amouzesh va Parvaresh (Rahnamaye Barnamehaye Darsi), Dabirkhaneye Shoraye Aalie Amouzesh va Parvaresh, Moasseseye Farhangi monadie tarbiat. Shorakaii Ardakani, Javad; Riahinejad, Hossein; Razzaghi, Hadi (1391). Amouyesh va Parvaresh – ghavanin va mogharrarat – Iran – Aiinnamehha. Majmoue Mossavabate Shoraye Aalie Amouzesh va Parvaresh (Vijeye Madares), 2nd ed., Tehran, Moasseseye Farhangi monadie tarbiat.
- Shoraye Allie Enghelab Frahangi URL: <http://www.sccr.ir/pages/?current=viewdoc&type> [02.07.2018].
- Spolsky, B & Shohamy, E. (2002). Language Practice, Language Ideology, and Language Policy. In Lambert, R. & Shohamy, E. (eds.) Language Policy & Pedagogy, Gihb Benjamin Publishing Company, Philadelphia/ Amsterdam.
- Spolsky, B. D. (2004). Language policy. Cambridge: Cambridge University Press.
- Stewart, W. (1968). A sociolinguistic typology for describing national multilingualism. In J. Fishman (ed.), Readings in the sociology of language (pp. 531–45). The Hague: Mouton.
- Tollefson, J. W. (1991). Planning language, planning inequality: Language policy in the community. London: Longman.
- Vezarate Olum, Tahghighat va Fanavari. URL: [16.12.2018]<https://www.msrt.ir/en/page/14/about-ministry>